

# A Study of the Concept of Justice in Elections from the View of Political Jurisprudence<sup>1</sup>

Mahin Mohammadi<sup>1</sup>, Mohammad Ali Raghebi<sup>2</sup>, Seyyed Alireza Hosseini<sup>3</sup>

1. Ph.D., Student in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran. m44mohammadi@hotmail.com

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding author**). ma.raghebi@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran. seyed50@gmail.com

## Abstract

The purpose of the present research is to study the concept of justice in elections from the view of political jurisprudence. The research method is descriptive-analytic and the results showed that with reference to jurisprudential and legal rules, the prerequisite of justice condition for elections relies on two main foundations: A. candidates and volunteers; B. supervisors and executers (assembly of experts for leadership, guardian council, executive and legislative forces). The concept of justice denotes the trusteeship of supervisors and executives to maintain people's votes which conveys their current justice bailment. The application and effectiveness of justice in political jurisprudential rules of elections can prevent and remove challenges and tensions that would occur before or after election. Moreover, by choosing the best elites and experts in different social issues, it would truly effect on economic, legal, political, and other aspects of justice to lead the society toward development and betterment. On the other hand, people's maximum participation in elections would confirm the legitimacy of the Islamic republic government and as a result, bring security and peace for the country.

**Keywords:** Political Jurisprudence, Justice, Elections, Voting, Candidates.

---

1. **Received:** 2021/07/27 ; **Revised:** 2021/09/01 ; **Accepted:** 2021/11/15 ; **Published online:** 2022/09/23

**DOI:** 10.22034/sm.2021.534814.1732

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

**Publisher:** Political Studies Association of the Seminary



## بررسی مفهوم عدالت در انتخابات از منظر فقه سیاسی<sup>۱</sup>

مهین محمدی<sup>۱</sup>، محمدعلی راغبی<sup>۲</sup>، سید علی رضا حسینی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. m44mohammadi@hotmail.com
۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). ma.raghebi@yahoo.com
۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. seyed50@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم عدالت در انتخابات، از منظر فقه سیاسی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که به استناد احکام فقهی و قانونی، لزوم شرط عدالت برای انتخابات، بر دو رکن اصلی مطرح است: الف. کاندیداها و داوطلبان؛ ب. ناظران و مجریان (مجلس خبرگان، شورای نگهبان و قوای مجریه و مقننه). مفهوم عدالت، در امین و امانت‌دار بودن ناظران و مجریان در حفظ آرای مردم است؛ که بیانگر عدالت فعلی آنان در امانت‌داری است. کاربرد و تأثیر عدالت در احکام فقه سیاسی انتخابات موجب خواهد شد، چالش‌ها و تنش‌هایی انتخاباتی را که قبل و پس از برگزاری انتخابات رخ می‌دهد، پیشگیری و رفع نمود. افزون بر آن، با انتخاب اصلح از نخبگان و کارشناسان در امور مختلف جامعه، منجر می‌شود، تأثیر آن-به معنای واقعی کلمه- در عدالت اقتصادی، حقوقی، سیاسی و به طور کلی در همه زمینه‌ها بروز و ظهور داشته باشد و جامعه اسلامی را به سوی رشد و تعالی پیش برد. از سوی دیگر، با حضور حداکثری مردم، مهر تأییدی بر نظام جمهوری اسلامی باشد و به دنبال آن، امنیت و آرامش را به ارمغان آورد.

واژه‌های کلیدی: فقه سیاسی، عدالت، انتخابات، رأی دادن، کاندیداها.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری مهین محمدی، با عنوان بررسی تطبیقی احکام و آثار عدالت در فقه امامیه و مذاهب اربعه، استاد راهنما: محمدعلی راغبی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، در سال ۱۳۹۹ است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2021.534814.1732

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

انتخابات<sup>۱</sup> در جوامع دینی و غیردینی، به عنوان نوپدیده سیاسی، معیاری برای سنجش مقبولیت نظام سیاسی برشمرده می‌شود و در جامعه‌شناسی دینی نیز، یکی از نهادهای سیاسی - حقوقی برای انتخاب اصلح دانسته شده است. بنابراین، برخی از رویکردهای مفهومی انتخابات در آموزه‌های دینی، مبتنی بر شورا، بیعت، آزادی سیاسی، برابری، سیره عقلایی و شایسته‌سالاری است. افزون بر آن، انتخابات با رأی مردم، علاوه بر تحقق مقبولیت نظام سیاسی در پیشگاه مردم، نمود قدرت سیاسی نظام اسلامی در برابر دیدگان جامعه جهانی و دیگر نظامات سیاسی بین‌المللی است. از دیدگاه قانونی، در اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرتبط با انتخابات مجلس شورای اسلامی، آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی، در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» (بی‌نام، ۱۳۹۷). این بند، بیانگر حقوق سیاسی و قانونی برای آحاد مردم است.

از آنجایی که رویکرد فقهی پویای دین در تمامی ازمه و اعصار ورود به تمامی مسائل و احکام فردی و اجتماعی جامعه اسلامی به اقتضای زمان بوده و است؛ امام خمینی، نیز تأکید بر آن داشتند، که «... زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند، مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است. به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد هر نظام ممکن است، حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول، که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (۱۳۸۶: ج ۲۱، ص ۲۸۸-۲۹۰). از این رهگذر، لزوم بحث فقه سیاسی در بین فقها و علمای متأخر بار دیگر در نظام دینی - سیاسی ایران مطرح شد. احکام و مسائل فقهی بسیاری درباره

۱. انتخابات در لغت: آن را جمع «انتخاب» از مصدر «نخب» به معنای اختیار کردن و برگزیدن آمده و هم معنای «انتفا» به کار رفته است. (معلوف، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۷۵۱-۷۵۲). در فرهنگ /بجده عربی- فارسی به معنای اصطلاحی آن و به روشی دموکراسی اشاره شده است که در گرفتن رأی انتخابی از مردم برای برگزیدن نمایندگان مجلس و رئیس جمهور برابر با قوانین و مقررات گفته می‌شود (مهیار، ۱۴۱۰: ص ۱۳۹) در لاتین، انتخابات جمع اخاب نیست؛ انتخابات از نظر لاتین، election است، در حالی که انتخاب، selection است. election جمع کلمه selection نیست. انتخابات فرایند است و مفرد است، نه جمع.

موضوعات سیاسی مانند موضوع انتخابات (به‌مثابه امور مستحدثه) در فقه اسلامی - به ویژه شیعی - ارائه و ملاک عمل دینی واقع گردید. در کتب فقهی نیز تحت عنوان «تصویت»، «رأی» و «انتخاب» مطرح شده (فلاح و ایزدهی، ۱۳۹۸: ص ۷۹-۹۲) و دارای ارکان اصلی است: کاندیداها و داوطلبان به عنوان انتخاب‌شوندگان؛ ناظران و مجریان انتخابات (شورای نگهبان و قوای مجریه و مقننه)؛ واجدان شرایط و مکلفین به عنوان انتخاب‌کنندگان. با توجه به آنچه بیان شد؛ این موضوع مسئله‌ای نوپدید در فقه سیاسی، مورد بحث در نزد فقهای فرق مذاهب اسلامی، به ویژه فقه امامیه و کارشناسان سیاسی بوده و هست. از این جهت سؤال اساسی قابل طرح در نوشتار پیش رو آن است که از منظر فقه سیاسی، «عدالت» دارای چه مفهومی در انتخابات است؟ یکی از عوامل رشد و بالندگی حکومت اسلامی انتخابات است که منجر به جلب مشارکت سیاسی مردم در فرایند تصمیم‌سازی‌های کلان، جلب اعتماد مردم به نظام سیاسی، حفظ و کرامت انسانی شهروندان، سپردن امور مردم به دست نمایندگان خود و دورماندن از شائبه استبداد و خودمحموری نظام حاکم بر جامعه اسلامی و موارد دیگر می‌شود (فلاح و ایزدهی، ۱۳۹۸: ص ۷۹-۹۲). تحقق آن نیز مستلزم کاربردی نمودن مفهوم فقهی عدالت در انتخابات است، که دارای اهمیت شگرف است. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکاء بر منابع اصیل دینی و سیاسی، داده‌های کتابخانه‌ای را به تجزیه و تحلیل این مسئله واداشته است؛ تا با استناد بر آرای فقهای مذاهب اسلامی به ویژه فقه امامیه و کارشناسان سیاسی، ضمن تبیین مفهومی فقهی عدالت در انتخابات، لزوم شرطیت عدالت و چگونگی احراز و اثبات آن نسبت به ارکان انتخابات را مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. موضوعیت انتخابات در فقه سیاسی

قبل از ورود به بحث عدالت در انتخابات، مناسب است، حکم فقهی حضور در عرصه‌های انتخاباتی به عنوان انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده و نیز مجریان انتخاباتی مطرح شود. در این حوزه، انتخابات از دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفت: اول، از دیدگاه حقوق اسلامی؛ بنا بر نظر آیت‌الله جوادی‌آملی، که در نظریه مقبولیت به آن اشاره نموده‌اند: «[انتخابات] تشخیص و کشف حق برشمرده می‌شود، یعنی در نظریه مقبولیت، نقش کاربردی انتخابات، تشخیص حق است، نه تولید حق، یعنی کشف شخص اصلح» (۱۳۸۳: ص ۱۸). در نتیجه، همگان به صورت مستقیم یا به واسطه، حق مشارکت سیاسی در اداره عمومی جامعه دارند (موسوی خلیلی، ۱۳۸۰: ص ۷۴۸). «ملک‌افضلی»، در مقاله «ماهیت و حکم در انتخابات از منظر فقه سیاسی اسلامی»، دیدگاه خود را در مورد موضوع حقوقی انتخابات این گونه بیان می‌کند:

«انتخابات حقی است که استیفای آن واجب است؛ چیزی شبیه نهاد حضانت در فقه خصوصی» (۱۳۹۱: ص ۹۷). بنابراین، هر فردی حق دارد در تعیین سرنوشت مملکت خود مشارکت داشته باشد؛ که این امر دارای مشروعیت و وجاهت دینی - سیاسی است. دوم، از دیدگاه شرعی، با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع در برهه زمانی فعلی، احکام صادره از سوی فقها و مجتهدین، بر اساس منابع معتبر فقهی، به ویژه فقه امامیه بیانگر حکم و جوبی شرکت در انتخابات است، که فرد را مکلف می‌کند در عرصه‌های انتخاباتی به عنوان انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده و نیز مجریان انتخاباتی مشارکت نمایند. این سخن به استناد کلام خداوند است که در آیه‌ای تصریح کرده، سرنوشت اقوام و ملت‌ها تابع رفتار و عملکرد خودشان است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱). شکل و نحوه سهیم شدن در این تغییر، متناسب با اقتضای زمان و شرایط مختلف است. از سوی دیگر با استناد به روایات معصومین (ع) انسان‌ها نسبت به سرنوشت یکدیگر مسئول و دارای تکلیف متقابل در قبال حقوق مشترک یکدیگر در جامعه اسلامی به منظور تعالی و سعادت هستند. به حکم عقل نیز، انتخابات روش عقلایی جهت برگزیدن و سپردن امور حکومت به افراد واجد شرایط است؛ البته این فرد باید مورد نظر شارع مقدس باشد.

البته بیان این نکته ضروری است، درباره نوع حکم تکلیفی و جوبی انتخابات، علما و فقهای شیعی آرا و نظرات گوناگونی بیان کردند؛ آنچه در ماهیت انتخابات از دیدگاه فقه سیاسی حائز اهمیت است، «حکم» بودن آن است. بنا بر فتاوی اکثریت مراجع و فقهای معاصر شیعه و به تبع آن اهل سنت تابع حاکمیت نظام ولایت فقیه، حضور در عرصه‌های انتخاباتی بر همه واجدان شرایط و مکلفین، واجب عینی است. امام خمینی انتخابات را تکلیف الهی، واجب عینی و هدف آن را حفظ اسلام بیان کردند: «همه ملت - بی‌استثناء - پای صندوق‌ها بروند و بی‌اعتنایی نکنند به مطلبی که کشور آنها به آن احتیاج دارد. سرنوشت ملت و اسلام، به او وابسته است» (۱۳۸۶: ج ۱۲، ص ۱۲۷). مقام معظم رهبری، ضمن بیان شرکت در انتخابات نظام جمهوری اسلامی برای افراد واجد شرایط، این حرکت را وظیفه شرعی اسلامی - الهی و واجب عینی می‌داند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۲۵). همچنین فرمودند: «به اعتقاد من، این انتخابات

۱. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (دیلمی، ۱۴۱۲: ح ۲۹۲۹۹۲، ج ۱، ص ۱۸۴) و «اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم أطیعوا الله و لا تعصوه» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶۷).

هم تکلیف شرعی و هم تکلیف عقلایی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۸/۲۳). برخی از آیات العظام مانند «مکارم‌شیرازی»، «صافی‌گلپایگانی» و «نوری‌همدانی» نیز هر یک به نحوی، وجوب عینی شرکت در انتخابات را واجب بیان کردند (سایت پاسخکده، مسئله ۱۷۹۳۸).

نکته ظریفی که قابل طرح است؛ یکی از دلایل وجوب فقهی حضور در عرصه‌های انتخاباتی، قاعده یا حکم وجوب اعانه بر برّ و تقواست. در این مورد می‌توان به آیه دوم سوره شریفه مانده اشاره کرد: «تعاونوا علی البر و التقوی». با این استدلال که حفظ نظام سیاسی و اجتماعی، نمونه‌ای از برّ و تقواست و مردم باید در این زمینه اعانه و تعاون داشته باشند؛ یکی از مقدمات آن نیز شرکت در انتخابات و مشارکت سیاسی است. لذا، انتخاباتی، که حساسیت بین‌المللی و جنبه ملی دارد، ابتدا بر همه واجب است (واجب عینی) و اگر به حدی رسید که مشروعیت نظام را ثابت کند، بیشتر از آن واجب کفایی می‌شود (ملک افضلی، ۱۳۹۱).

البته شرکت در انتخابات، دارای ادله فقهی دیگر نیز است:

الف. حفظ نظام به طور مطلق، یا خاص؛ بنابر نظر امام خمینی، حفظ جمهوری اسلامی واجب عینی است (۱۳۸۶: ج ۱۹، ص ۴۸۶).

ب. ادله مربوط به اهتمام به امور مسلمانان؛

ج. امر به معروف و نهی از منکر؛

د. ادله عقلی که دلالت بر وجوب شرکت واجدان شرایط در عرصه‌های انتخاباتی دارد.

### ۳. مفهوم فقهی عدالت در انتخابات

از واژه عدالت در انتخابات، سه مفهوم را می‌توان استنباط نمود: ۱. مفهوم «عدالت» در تعاملات جامعه بشری و در جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و موارد دیگر که به صورت گسترده مطرح است. انسان «عدالت» را ممدوح و «بی‌عدالتی و ظلم» را مذموم می‌داند و از منظر اصول عقلی دارای حُسن ذاتی است. اگرچه، مؤسس گزاره «عدالت» دین نیست و موضوع آن فرادینی است، ولی دین مبین اسلام با استناد به آیات قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)، «عدالت» را مهم‌ترین اصل اسلامی برمی‌شمارد و مبنای بسیاری از تعاملات بشری می‌داند. همچنین در رویه فقها و مکلفان برای استنباط، انطباق و نیز صدور احکام فقهی، عدالت به عنوان مصدر و میزان، شاهد و گواهیست که در مباحث و ابواب مختلف فقهی و در عصر کنونی در انتخابات کاربرد و آثاری دارد. مفهوم دوم، اگر به این موضوع نگاهی فراتر از مباحث اخلاقی داشته باشیم؛ نفس انسان به نص آیات

الهی<sup>۱</sup> دارای فضایل و رذایلی است که شخصیت او با به فعلیت رسیدن هر یک، شکل می‌گیرد و در زندگی فردی و جمعی اثر دارد. بدیهی است با فعلیت در آمدن فضایل اخلاقی، انسان متخلق به ویژگی‌های وصفی و رفتاری مطلوب در مسیر تعادل خلقت و نظم جهانی گام برمی‌دارد و همین امر موجب می‌شود، به سوی انحراف کشیده نشود. انحراف همان خروج از تعادلی است که انسان مرتکب اعمالی می‌شود که در شرع فقهی اسلام، به گناهان صغیره و کبیره معروف است؛ معمولاً آغاز آن از صغیره‌ایست که در اثر بی‌توجهی و غفلت به گناهان کبیره تبدیل می‌شود و در نهایت از مدار تعادل خارج می‌گردد.

از نظر وصفی و فعلی، در صورت فقدان رجوع و استغفار، به چنین انسانی فاسق و ظالم گفته می‌شود؛ بنابراین، قول و فعل او می‌تواند در موارد فراوانی معتبر نباشد. از سوی دیگر، فردی که متخلق به فضایل اخلاقی و ایمانی است و در مدار عدالت و تعادل گام برمی‌دارد؛ عادل است که قول و فعلش در بسیاری از احکام فقهی اعتبار و اثر دارد و موجب تحقق حکم فقهی است. بلاخره در مفهوم سوم آنچه مطرح است، عدالت در مفهوم «علی ید عادل»، به معنای امین و مورد وثوق است. در ادامه بحث مشاهده خواهد شد که مفاهیم سه‌گانه در احکام مختلف فقهی و نیز قواعد فقهی انطباقی انتخابات، موضوعیت و دارای آثار کاربردی است؛ لذا، مورد توجه فقها و مجتهدین است، که در فقه سیاسی مطرح می‌گردد.

#### ۴. اعتبار عدالت در انتخابات

از منظر کلی و با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، اگر چه در منابع و مآخذ معتبر فقهی مذاهب اسلامی، اعم از امامیه و اهل تسنن، عدالت و شرط آن در بسیاری از مباحث فقهی (عبادات، عقود، ایقاعات، قضا و شهادت) در قالب احکام و مسائل شرعی بیان و تأکید شده و دارای آثار فقهی در فعل یا ترک فعل و نیز اثبات و نفی حکمی نافذ و معتبر است، اما در خصوص انتخابات، احکام و مسائل مربوط به آن، به مورد خاصی اشاره نشده است. با این حال، می‌توان اذعان داشت که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، فقه سیاسی با تجدید حیات خود، موضوعیت یافت و مراجع و فقهای عصر کنونی با توجه به استفتانات مقلدین پیرامون مسائل محدثه از جمله انتخابات، فتاوا و احکام شرعی را بنابر اقتضای زمان بیان کردند و برحسب ادله استنباط فقهی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) در فقه امامیه و علاوه بر آن (قیاس و استحسان) در فقه اهل تسنن احکامی را استخراج نمودند. انتخابات دارای ساختار سیاسی است، که فقه سیاسی به آن

۱. «و نفسٍ و ما سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس: ۷-۸)

ورود پیدا کرده و برحسب ضرورت، احکام و شرایطی را بیان نموده است و دارای آثار حکمی در تحقق مشروعیت انتخابات است. یکی از این مسائل، با نگاه تطبیقی فقهی متقدم به متأخر، کاربرد مفهومی عدالت در بسیاری از مباحث فقهی از جمله انتخابات است. حال این سؤال مطرح می‌شود؛ کاربرد مفهوم فقهی عدالت در انتخابات چگونه است؟

طبق اصل ۹۹، وظیفه شورای نگهبان به شرح زیر است: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد» (بی‌نام، ۱۳۹۷). مقام معظم رهبری در جایگاه ولایت فقیه مطلقه و حکم شارع مقدس در مورد مشروعیت و شأنت شورای نگهبان فرمودند: «شورای نگهبان مجموعه‌ای مورد اعتماد است؛ در قانون اساسی، شأنی برای شورای نگهبان معین شده است. مشخص شده است: شش نفر فقیه عادل، شش نفر حقوقدان برجسته که منتخب مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان هستند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶). شورای نگهبان همچنین، بنا بر نظارت استصوابی<sup>۱</sup>، وظیفه تعیین صلاحیت عمومی داوطلبان و کاندیدا را عهده‌دار است و قوه مجریه، مجریان برگزاری دوره‌های انتخاباتی را با رعایت شرایط و ضوابط تعیین می‌نماید. در قانون انتخابات مجلس خبرگان، داوطلبان باید دارای شرایط زیر باشند: الف. اشتها به دیانت، وثوق و شایستگی اخلاقی؛ ب. اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ه. نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی... در تبصره یک ماده سه قانون انتخابات مجلس خبرگان، فقهای شورای نگهبان، مرجع تشخیص دارا بودن شرایط مورد نظر دانسته شده است. در مورد شرایط داوطلبان و کاندیدای شوراهای اسلامی مانند مجلس و شورای شهر، طبق این مصوبه، ماده ۲۸ قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: «نامزدهای انتخابات باید دارای شرایط عمومی اختصاصی زیر باشند: شرایط عمومی عبارت است از: اعتقاد به اسلام، و التزام عملی به اسلام، با تبصره‌های مشروح. منظور از التزام عملی در این بند، عمل به احکام اسلام در حد عمل به انجام دادن واجبات و اصرار نداشتن بر محرمات است. عدم احراز التزام عملی به اسلام به دلیل تجاهر به فسق ثابت می‌شود». به این ماده تبصره دیگری نیز افزوده شد: «تبصره ۲. داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی باید به دین خود اعتقاد

۱. نظارت استصوابی: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات شامل تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود».



داشته باشند» (بی‌نام، ۱۳۹۷). علاوه بر موارد فوق، مقام معظم رهبری نیز مؤکداً اظهار کرده‌اند: «این خصوصیات به نظر من در منتخب [باید] وجود داشته باشد: اولاً مؤمن باشد؛ کسانی را انتخاب کنید که دارای ایمان باشند. ایمان از کج‌روی و انحراف و پای غلط گذاشتن و پای کج گذاشتن جلوگیری می‌کند؛ ایمان نمی‌گذارد و سوسه‌ها در انسان اثر نکند. بعضی‌ها ابتدای کار، آدم‌های خوبی هستند، منتها وقتی وارد عرصه‌هایی می‌شوند، و سوسه‌ها اینها را به این طرف و آن طرف می‌کشاند؛ اگر ایمان قوی باشد، از این انحراف‌ها مصون می‌مانند. [پس]، مؤمن باشند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶). در ادامه نیز تصریح می‌کنند: «به معنای واقعی کلمه، طرفدار عدالت باشند» (همان). همان‌طور که ملاحظه شد؛ لزوم و ضرورت شرط عدالت برای دو رکن اصلی انتخابات استنباط می‌شود:

الف- کاندیدا و داوطلبان انتخاباتی؛ ب، کارگزاران و عوامل اجرایی (شورای نگهبان و قوای مجریه و مقننه). بدیهی است؛ بر مبنای تبعیت احکام الهی در توسعه مصالح و موانع فساد، توجه و عنایت به آن می‌تواند عاملی مؤثر در رفع بسیاری از چالش‌ها و آسیب‌ها در عرصه‌های انتخاباتی باشد. بنابراین، ضرورت چگونگی احراز عدالت داوطلبان، ناظران و مجریان برای مرجع تأییدکننده صلاحیت آنان و انتخاب‌کنندگان مطرح است. در این مجال با توجه به اهمیت موضوع، ادله روایی فقهای مذاهب اسلامی بیان خواهد شد.

## ۵. ادله روایی در احراز عدالت

این بخش از میان روایات بسیاری از جانب فقها با استناد به کتب روایی بیان شده است. در کتاب «من لایحضره الفقیه» در باب عدالت، روایت مفصلی از امام صادق (ع) به نقل از ابی‌یعفور در مورد راه شناخت عدالت فرد در میان مسلمانان برای پذیرش شهادت او، بر له یا علیه آنها آمده است. به نظر می‌رسد از این روایت بنابر اصل تعمیم می‌توان برای احراز عدالت داوطلبان، ناظران و مجریان انتخابات بهره گرفت. در این روایت به دو بُعد شخصیت عملی فردی و جمعی شاهد اشاره شده است؛ زیرا شخصیت فرد ناشی از اعمال و رفتار اوست که تأثیر گذار بر عدالت است. مستور بودن عیوب ظاهری، پاکدامنی و عفاف، خودداری از شکم‌پرستی، شهوت‌طلبی، دست‌درازی به مال غیر، و نگاه‌داری زبان از معاصی، همچنین اجتناب از گناهان کبیره‌ای که خداوند وعده عذاب جهنم داده است، مانند شرب خمر، عمل منافی عفت، رباخواری، آنچه که موجب عاق والدین باشد و فرار از جنگ بدون اذن رهبر، تمامی اینها و نیز پرهیز از منکرات و زشتی‌ها (عدم اصرار بر گناهان صغیره)، دلیل بر آن خواهد بود که مسلمانان سخن گفتن در

خفاء از لغزش‌ها و عیوب او را، حرام، و برخورد دفاعی از او، در مقابل دیگران و اظهار علنی عدالت او در میان مردم را واجب بدانند. از سوی دیگر، تأکید امام صادق (ع) نسبت به حضور به موقع و متعهدانه او در اقامه نماز واجب یومیه با جماعت (به‌جزء در مواقعی که عذری باشد)، به صورتی که باعث شود خویشاوندان و اهل محل در مورد شخصیت او به خیر و خوبی یاد کنند، از راه‌های شناخت و اثبات عدالت فرد بیان شده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ح ۳۲۸۰، ج ۴، ص ۳۹-۳۸). با توجه به حدیث مذکور، بی‌شک اعمال و رفتار افراد، بهترین ملاک برای وصول عدالت وصفی و فعلی فرد است. در این روایت و روایات مشابه، مصادیقی از گناهان کبیره و صغیره بیان شده و بیانگر آن است؛ که فردی متخلق به وصف فعلی و قولی عدالت خواهد بود، که بتواند با تمرین و ممارست از آنها دوری کند. البته در کتب اهل سنت نیز روایات مبسوطی در این خصوص بیان شده، از جمله «زحیلی» در مورد حد عدالت می‌گوید: کسی که کثرت المعاصی باشد، بر شهادت او اثر می‌گذارد و موجب ردّ شهادت وی می‌شود، ولی کسی که به ندرت گناه و خلافی می‌کند، عدالتش معتبر و شهادتش هم پذیرفته شده است و دارای اعتبار حقوقی هم هست؛ البته امامیه قائل بر آن است، در صورتی که توبه کند و اصرار بر انجام آن هم نداشته باشد. ایشان در ادامه، ضابطه عدالت در مذهب شافعی را، اجتناب از گناهان کبیره و اصرار نداشتن بر صغیره بیان می‌کند. حنفا با استناد به قول پیامبر (ص)، در بیان ظاهری به شرط عدالت برای مسلمان اکتفاء کرده‌اند (۱۴۰۱ق: ص ۶۰۳۸).

البته از نظر امام خمینی، عادل کسی است که تقوا پیشه کند و از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر جرایم صغیره پرهیزد و ارتکاب حرام موجب سقوط عدالت و عزل از اِشهاد است (امام خمینی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ص ۴۴۱). «افندی» در ماده ۱۷۲۵، کتاب «در الاحکام»، شرح مبسوطی در احتمالات مختلف می‌آورد و با ارجاع به ماده ۴۶ کتاب می‌گوید: «در صورت آسیب به عدالت و پاکدامنی شهود، شهادت آنها در نزد قاضی معتبر نیست» (۱۴۱۱ق: ص ۲۶۷).

همان‌گونه که ملاحظه شد، عدالت فردی در صورتی محرز خواهد شد که فرد بر گناهان صغیره اصرار نداشته باشد و از گناهان کبیره‌ای که در روایات نیز بیان شده است، دوری کند. زیرا رعایت حدود الهی موجب خواهد شد، از رذایل اخلاقی دوری نماید و با به فعلیت درآمدن فضایل اخلاقی، فرد به وصف عادل بودن شهرت یابد؛ که می‌تواند ملاک وصفی عدالت قولی و فعلی باشد. در ادامه بحث به چگونگی احراز عدالت داوطلبان، ناظران و مجریان برای مرجع تأییدکننده صلاحیت آنان و انتخاب‌کنندگان پرداخته می‌شود.

## ۶. احراز عدالت داوطلبان، ناظران و مجریان

با توجه به آنچه ذکر شد، در فقه سیاسی این مسئله مطرح است؛ که برای احراز عدالت داوطلبان، ناظران و مجریان چگونه باید عمل نمود؟ از یکسو، طبق مواد قانونی، شورای نگهبان عهده‌دار تأیید صلاحیت عمومی داوطلبان و کاندیدای انتخاباتی و گروهی از مجریان است و با استعلام از دوایر و مراکز مربوط و تحقیقات محلی و موارد دیگر، به بررسی می‌پردازد. حال این سؤال و سؤالات دیگر مطرح است؛ احراز عدالت آنان توسط دوایر و مراکز مربوط و تحقیقات محلی و موارد دیگر برای پاسخ به استعلام شورای نگهبان چگونه صورت می‌گیرد؟ از سوی دیگر، آیا انتخاب‌کنندگان به عنوان رکن اصلی در انتخابات، می‌توانند به نظر شوری نگهبان بسنده کنند، یا باید برای احراز عدالت کاندیدا، خود وارد عرصه شناسایی شوند؟ چگونه؟! در همین راستا، پرسش‌های بعدی این است؛ در احراز عدالت، آیا فرد باید متخلق به صفت عدل باشد یا کافی است بر میزان عدل عمل نماید؟ به عبارت دیگر، آیا داوطلبان انتخابات، ناظران و مجریان باید عدالت وصفی داشته باشند، یا فعلی یا هر دو؟ از منظر دیگر می‌توان پرسش را این گونه مطرح نمود: آیا برای احراز عدالت فرد، همین که مرتکب گناهان کبیره نشود و اصرار بر گناهان صغیره نداشته باشد، کفایت می‌کند؟ تشخیص آن چگونه است؟ دیگر آنکه، در عدالت داوطلبان انتخابات و برگزارکنندگان، می‌توان به حسن ظاهر بسنده نمود؟ یا باید به نفس الامر (باطن) عدالت وجودی و باطنی فرد رسید؟ اگر ملاک حُسن ظاهر باشد، آیا شهرت عرفی بر مبنای حُسن ظاهر می‌تواند بر عدالت فردی دلالت داشته باشد، یا باید بررسی نمود؟ شهرت عرفی، اذعان به عرف عام است؟ یا یک یا چند نفر باید بر عدالت وی شهادت دهند؟ آیا در احراز عدالت فردی، حسن الظن کفایت می‌کند؟ یا باید علم داشت؟ از آنجایی که ابتناء و استناد استخراج بسیاری از احکام و فتاوی مجتهدین متأخر، از آرای اکابر فقاهت قدما است؛ در نتیجه با توجه به بیان امام خمینی در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود که گفتند: «... فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد»، . برای احراز عدالت داوطلبان انتخابات، ناظران و مجریان، با استناد بر دیدگاه مراجع و فقها در خصوص احراز شرط عدالت شهود طلاق و موارد دیگر، مبنای حُسن ظاهری است؛ زیرا ضد حُسن ظاهری، باطنی است و هیچ‌کس از آن آگاهی ندارد، مگر خدا و خداوند تکلیف لایطاق، بر مکلف قرار نداده است (حلی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۳۱۴-۳۱۵، ۳۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۱۱۳؛ نجفی، ۱۳۶۷: ج ۱۳، ص ۲۷۹-۲۸۰، ۳۴۹). البته این مطلب جای تأمل دارد؛ زیرا اگر عدالت را بنابر نظر برخی از علما و فقها ملکه بدانیم و حُسن ظاهر، کاشف از ملکه باشد، دیگر نمی‌توان

حُسن ظاهری را ضد باطنی از نظر فقهی بیان نمود. در مباحث لغوی ممکن است نقطه مقابل ظاهر، باطن باشد، ولی در مباحث اخلاقی، کلامی و فقهی، ظاهر و باطن مکمل یکدیگرند. از این رو، اگر بنا بر آرای فقها که- در ادامه بیان خواهد شد- حُسن ظاهر را ملاک قرار دادند، بدین جهت که ظاهر فرد از فضایل اخلاقی باطنی فرد تأثیر گرفته است و می‌تواند معیاری برای احراز عدالت فرد باشد.

«بهجت»، از فقهای متأخر معتقد است: «عدالت، ملکه است و حُسن ظاهر، کاشف از ملکه است و حُسن ظاهر مفید ظن، نوعاً و طبعاً کافی است؛ یعنی احوط اعتبار ظن اطمینانی به عدالت است که عبارت از ملکه باعثه بر اجتناب از کبائر و از اصرار بر صغائر است، یا اجتناب‌هایی که از ملکه باعثه بر تقوا صادر باشد، در احکام شرعیه عدالت» (بی‌تا: ج ۱، ص ۲۳). از نظر ایشان، عادل شخصی است که ملکه عدالت دارد (۱۳۷۷: ص ۴۸۴). در نتیجه، ملاک، حُسن ظاهری است که شهرت در طاعات و عبادت الهی در بین ناس باشد و مردم از عدالت او سخن بگویند و نیز حُسن ظاهر در اسلام با استناد به روایات در صورتی حجت است، که با ایمان باشد؛ زیرا ممکن است شخص مسلم، فاسق باشد، ولی شخص مسلمان مؤمن، هرگز فاسق نخواهد بود و از سوی دیگر، ترک مندوبات و مستحبات نیز موجب سقوط عدالت نیست (بهجت، بی‌تا: ج ۵، ص ۹۲-۹۴). حال این سؤال مطرح است که معیار تشخیص و تأیید فرد تائب چگونه است؟ ایشان می‌گویند: «توبه اگر ثابت شد، در صورتی که مقبول شود، محمول بر صحیح و ترتب آثار است، مگر با علم به خلاف و تائب مانند غیرمذنب است ... آنچه با آن توبه محقق باشد، اظهار ندم بر ماضی و عدم عود به ذنب و خروج از حقوق مالیه و نحو آنها به نحو مقدور که موقع تکلیف است» (همان: ص ۱۰۷-۱۰۸).

بنابراین، توجه به نکات فوق در احراز عدالت ارکان انتخابات حائز اهمیت است. از ترکیب حُسن ظاهری و باطنی عدالت واقعی را پدید می‌آورد و بی‌شک همان‌گونه که بیان شد، ظاهر و باطن بر هم تأثیرگذارند، چه آنکه تأثیر باطن بیش از ظاهر است. بسیاری از فقها ملاک را حُسن ظاهر فرد مسلمان در عدالت قرار دادند؛ زیرا حُسن ظاهر می‌تواند خبر از حُسن باطن دهد و بیانگر لزوم شرط عدالت وصفی و فعلی برای کاندیدا و داوطلبین انتخابات است. طبعاً دستیابی به شخصیت واقعی و باطنی افراد، بسیار سخت و زمان‌بر است، که مراجع تأییدکننده مؤظف هستند، تمامی سعی خود را برای احراز عدالت وصفی و فعلی انجام دهند. از سوی دیگر، انتخاب‌کنندگان علاوه بر استناد به تأییدیه مراجع ذیصلاح، در احراز عدالت داوطلبین و گزینش عادلانه اصلح، باید به حُسن ظاهری و اشتهار عرفیه که بیانگر التزام عملی به احکام تکلیفی الهی بوده و پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی بر مبنای فقه سیاسی است، در

انتخاب اصلح به دور از مسائل حاشیه‌ای توجه داشته باشند. در ادامه، به این موضوع پرداخته می‌شود.

### ۷. لزوم رعایت عدالت توسط انتخاب‌کنندگان

حضور در انتخابات از نظر حکم تکلیف شرعی، واجب عینی است و واجدان شرایط و مکلفین در رقابت انتخاباتی برای گزینش اصلح حضور می‌یابند. مشروعیت انتخاب اصلح و فقدان مشروعیت انتخاب صالح مقبول، ارتباط مستقیمی با کارآمدی منتخبین دارد.

#### ۷-۱. ادله قرآنی بر رعایت گزینش عادلانه انتخاب‌کنندگان

انتخاب‌کنندگان برای انتخاب اصلح علاوه بر تحقیق و بررسی برای احراز شرایط داوطلبین، به استناد ادله قرآنی مکلف هستند، گزینش و قضاوت عادلانه داشته باشند. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ ای کسانی که ایمان آوردید»، «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ؛ باشید از قیام‌کنندگان برای خدا»، «شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ؛ گواهان بر قسط و داد»، «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا»، «مجبور نکند شما را کینه‌جویی که عدالت نورزید»، «اعْدِلُوا؛ عدالت بورزید»، «هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»، «آن به تقوا نزدیک‌تر است»، «وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ تقوای خدا را پیشه کنید»، «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»، «به راستی، خدا آگاه است به آنچه عمل می‌کنید».

در شرح سبب نزول آیه، در برخی از کتب تفسیری-فقهی با کمی اختلاف، از قول عبدالله بن کثیر بیان شده، که این آیه درباره یهود نازل شده است هنگامی که رسول خدا(ص) به طرف قلعه و دیوار بنی قریظه رفت که به آنها دیه پردازد، ولی یهودیان کوشش داشتند که پیامبر را به قتل برسانند. جبرائیل آمد به پیامبر(ص) خبر داد و پیامبر(ص) هم از آنجا به سوی مدینه رفتند. خداوند به پیامبر(ص) امر کرد که تحمل کند آنچه را که آنها بر علیه ایشان انجام دادند، تا مبادا در امر قضا از مسیر حق خارج شوند (زحیلی، ۱۴۲۲ق: ج ۶، ص ۱۱۷-۱۱۶؛ سائیس، ۱۴۲۳ق: ص ۳۶۵؛ داورپناه، ۱۳۷۵: ج ۱۰، ص ۱۲۰، حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۳۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ص ۲۸۶). با توجه به آنچه که بیان گردید؛ سبب نزول آیه، در مورد برخورد پیامبر(ص) در مقابل با قوم یهودی است که به سبب قضاوت ناعادلانه، علیه پیامبر(ص) توطئه کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. برای تعمیق بحث، برخی از نکات تفسیر آیه بیان می‌شود.

#### ۷-۲. تفسیر فقهی «إعْدِلُوا»

خطاب کلام الهی به کسانی اشاره دارد که در آن زمان به رسالت پیامبر اکرم(ص) ایمان آورده‌اند. در

عین حال، تکلیف برای همه مکلفین در همه اعصار و ازمه، در مقابل کفار به سبب کفرشان است و ممکن نیست بتوانند به اوامر و نواهی الهی قیام نمایند. از سوی دیگر، این بیان می‌تواند تذکری به جنبه اعتقادی باشد، که بیانگر اعتقاد به شریعت دین مبین اسلام، موجب تقید دینی و تکلیفی است. در ادامه، آیه مذکور به سه نکته مهم اشاره دارد، که به جنبه عملی ایمان‌آوردندگان باز می‌گردد و در صورت عمل به آن، در راه رستگاری و سعادت قرار می‌گیرند: اول، برای خدا قیام کنید؛ «قومین»، صیغه مبالغه از قیام، کثرت قیام برای خدا و کثرت تلاش در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر و تأیید حق و رد باطل و... است و نیت در عمل و فعل را بیان می‌نماید؛ یعنی کاری، حسنه و مورد قبول خداست که «لله» (برای تقرب به سوی خدا) و «فِالله» (در راه رسیدن به خدا) باشد. دوم، شاهدان و گواهان به قسط و عدل و داد باشید؛ یعنی مبنای شهادت شما بر میزان عدالت الهی باشد و به آنچه واقعیت دارد، شهادت دهید. سوم، دشمنی و کینه دشمنان بر نفس شما غالب نشود؛ زیرا اسباب انحراف از عدالت است و موجب ظلم و ستم به دیگران و حتی کسانی می‌شود که با شما دشمن بودند؛ این برخلاف سنت الهی، سیره و سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است. در بیان دیگر، خداوند با تأکید بیشتر می‌فرماید: «عدالت بورزید». این درخواست مؤکد الهی است که گویا در نظر دارد بگوید در این شرایط، اگرچه خیلی سخت است، برخلاف خواسته و میل نفسانی عمل کردن، ولی باید طبق فرمان الهی عمل نمود. امر به عدل، شامل همه انسان‌هاست و فرقی بین غنی و فقیر، عالم و جاهل، مسلمان و غیرمسلمان، کبیر و صغیر وجود ندارد و همه باید تابع امر الهی باشند. پیروی از این دستور، شامل هر سه قسم معنایی عدل اخلاقی، معاشرتی و به ویژه عدل شرعی می‌شود؛ که عبارت است از: حالت نفسانی که در اثر ایمان خوفی ایجاد می‌گردد و سبب ترك معاصی کبیره و عدم اصرار بر صغائر و منافیات مروّت و بر فعل واجبات می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۳۱۴).

در ادامه، خداوند می‌فرماید: از وسوسه‌های نفسانی و شیطانی دوری کنید که ناشی از رذایل اخلاقی است و خدا را شاهد و ناظر بر اعمال ظاهری و باطنی خود ببینید. این سخن، تهدیدی از جانب خدا، تأکید بر پیشه کردن تقوای الهی و رعایت عدالت به طور مطلق است؛ زیرا خدا از همه اعمال شما آگاهی دارد.

آیه فوق بیانگر عدالت فعلی واجدین شرایط و مکلفین شرکت‌کننده در انتخابات است. با توجه به فضای رقابتی تبلیغاتی در انتخابات، زمینه تعاملات و تعاطی افکار و گفتمان‌های سیاسی ایجاد می‌شود و شخصیت حقوقی و حقیقی داوطلبان به شکل‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته، آنان را برای گزینش عادلانه رهنمون می‌سازد. البته بر مبنای اصل تعمیم، تأکید آیه در عبارت «إعدلوا» را می‌توان به

همه عناصر انتخابات (انتخاب‌کنندگان، انتخاب‌شونده، ناظران و مجریان) توسعه داد. بدین‌سان همه مؤلف به رعایت عدالت می‌شوند، تا به دور از تنگ‌نظری، کینه‌ورزی و دشمنی‌ها در فضای رقابتی سالم، انتخابات مطلوبی برگزار شود.

## ۸. امانت‌داری ناظران و مجریان انتخابات

همان‌گونه که می‌دانید، «علی الید» معروف به قاعده ضمان ید، به طور مطلق ضمان آور و یکی از اسباب آن، «ید» است؛ این سخن به استناد حدیث رسول اکرم (ص) است، که فرمودند: «بر دست است آنچه را که گرفته تا زمانی که بازگرداند<sup>۱</sup>». از سوی دیگر، مضاف شدن کلمه علی در «الید»، با توجه به سیاق کلام و کاربرد آن، بیانگر آن است که شخص نسبت به آنچه در اختیار دارد، تا زمانی که در اختیار اوست، متعهد و مسئول است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، مسئله ۲۰؛ هندی، ۱۴۱۹ق: ح ۵۷۱۳، ج ۵، ص ۳۲۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۷۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق: ص ۸۳). همچنین، مضاف شدن کلمه عدل در «علی ید العدل» عدل، معرفه به «ال» یا غیر آن، با توجه به سیاق کلام و کاربرد آن در مباحث مختلف فقهی، اطلاق شرط عدل بر فرد بیانگر شخص امین است (حلی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۲، ۳۰؛ علامه حلی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۱۱۲). بنابراین، انطباق قاعده‌های فقهی ضمان ید و استیمان، بر انتخابات، بیانگر آن است: آرای مردم، که در اختیار برگزارکنندگان است، از اقسام ید مأذونه‌ای به شمار می‌رود که هر گونه تعدی و تفریط برگزارکنندگان ضمان آور است. لذا، باید در حفظ آرای مردم از نظر امنیتی و قانونی بسیار بکوشند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۲؛ عباسی سرمدی و مشایخ، ۱۳۹۳: ص ۴). و مقام معظم رهبری در بیانات خود در دیدار دست‌اندرکاران برگزارکنندگان انتخابات، آنان را امانت‌داران امانت بزرگ و ارزشمند ملی و اسلامی مورد خطاب قرار دادند و گفتند: «این توصیه من به شما مسئولان محترم انتخابات هم هست: قانون را معیار قرار دهید. «انّ الله یامرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها» (نساء: ۵۸) ادای امانت به همین است که طبق مَرّ قانون عمل شود؛ هم در مرحله تشخیص صلاحیت‌ها- چه در مورد ریاست جمهوری، چه در مورد شوراها و در موارد دیگری که در پیش است- هم در مرحله قرائت آراء، هم در مرحله حفظ آراء و صندوق‌ها. باید مَرّ قانون رعایت شود و نهایت امانت‌داری انجام بگیرد که بحمدالله تا حالا هم همین جور بوده است» (بی‌نام، ۱۳۹۲: ص ۲۰).

۱. «قال رسول الله: علی الید ما اتخذت حتی تُودی».

## ۹. نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، از دیدگاه فقه سیاسی، مفهوم «عدالت» در احکام فقهی انتخابات دارای کاربرد و تأثیر بسزایی است و زیربنای ساختاری انتخابات است. به استناد احکام فقهی و قانونی، لزوم شرط عدالت برای انتخابات، بر دو رکن اصلی مطرح است: الف. کاندیداها و داوطلبان؛ ب. ناظران و مجریان (مجلس خبرگان، شورای نگهبان و قوای مجریه و مقننه). در نگاه کلی و طبق مواد قانونی، شورای نگهبان تأیید صلاحیت عمومی داوطلبان و کاندیدای انتخاباتی را برعهده دارد که از طریق استعلام از دوائر و مراکز مربوط و تحقیقات محلی و موارد دیگر انجام می‌شود؛ که یکی از معیار تأیید صلاحیت آنان شرط عدالت است. بنابر آرای فقهای مذاهب اسلامی، داوطلبین انتخاباتی بایستی دارای عدالت وصفی و فعلی باشند. اگرچه دستیابی به شخصیت واقعی و باطنی افراد بسیار سخت و زمان‌بر است، اما مراجع تأییدکننده صلاحیت داوطلبان و عوامل اجرایی موظف هستند تمامی سعی خود را برای احراز عدالت انجام دهند. از سوی دیگر؛ انتخاب‌کنندگان علاوه بر استناد به تأییدیه مراجع ذیصلاح، در احراز عدالت داوطلبین و گزینش عادلانه اصلح، باید به حُسن ظاهری و اشتهار عرفیه که بیانگر التزام عملی به احکام تکلیفی الهی است و پابندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی که بر مبنای فقه سیاسی است، توجه داشته باشند.

از سوی دیگر، مفهوم عدالت، در امین و امانت‌دار بودن ناظران و مجریان در حفظ آرای مردم است؛ که بیانگر عدالت فعلی آنان در امانت‌داری است. طبق فرمایش مقام معظم رهبری، دست‌اندرکاران انتخابات، افرادی امین و مؤتمن مردم هستند. ایشان تأکید دارند که این افراد مورد اعتماد مردم نیز هستند؛ اما اگر تعدی یا تفریطی صورت گیرد، از نظر فقهی و حقوقی ضامن هستند و حق پیگرد قانونی برای مدعیان وجود دارد.

همان‌طور که بیان شد؛ امر تأکیدی خداوند در آیه «إعدلوا هو اقرب للتقوی» تأکید بر امثال امر مولا (شارع مقدس) در عدالت‌ورزی دارد. بدین ترتیب، سه رکن اصلی انتخابات، در پیشگاه خدا و مردم مسئول هستند و هر گونه نافرمانی از امر مولا (شارع مقدس) و سهل‌انگاری، عذاب و غضب الهی را در پی خواهد داشت. اصول اخلاقی اسلامی و عقل سلیم بشری نیز، رفتارهای خارج از عدل و انصاف را مغایر با روح تقوا و خدامحوری می‌داند. چه بسا گزینش ناعادلانه و انتخاب نکردن اصلح و موارد دیگر در انتخابات، موجب روی کارآمدن افراد ناکارآمد و غیرمتعهد متخصصی شود، که افزون بر زیر سؤال بردن عملکرد



دست‌اندرکاران پیشین نظام، به انکار و زیر سؤال بردن طرح‌ها، مصوّبات و قوانین سیستم حکومتی و نظام اسلامی منجر شود.

کاربرد و تأثیر عدالت در احکام فقه سیاسی انتخابات موجب خواهد شد، چالش‌ها و تنش‌هایی انتخاباتی را که قبل و پس از برگزاری انتخابات رخ می‌دهد، پیشگیری و رفع نمود. افزون بر آن، با انتخاب اصلح از نخبگان و کارشناسان در امور مختلف جامعه، منجر می‌شود، تأثیر آن - به معنای واقعی کلمه - در عدالت اقتصادی، حقوقی، سیاسی و به طور کلی در همه زمینه‌ها بروز و ظهور داشته باشد و جامعه اسلامی را به سوی رشد و تعالی پیش برد. از سوی دیگر، با حضور حداکثری مردم، مهر تأییدی بر نظام جمهوری اسلامی باشد و به دنبال آن، امنیت و آرامش را به ارمغان آورد.

بنابراین، پیشنهاد می‌گردد، بیش از پیش در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای برگزاری انتخابات به گونه‌ای عمل شود که عدالت و شرط عدالت برای تمامی ارکان انتخابات به دور از جناح‌بندی‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی در نظر گرفته شود و رویکرد مردم را با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای به سوی گزینش عادلانه هدایت نمود.

## منابع

## قرآن کریم.

## نهج البلاغه.

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۶.
- افندی، علی حیدر خواجه (۱۴۱۱ق). *درر الحکام فی شرح مجله الاحکام*. بیروت: دارالجیل الطبعة.
- بجنوردی، محمدحسین (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. قم: انتشارات هادی، ج ۲.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۷۷). *توضیح المسائل*. قم: مکتب سماحة آیت الله العظمی بهجت، چاپ شانزدهم.
- بهجت، محمدتقی (بی تا). *جامع المسائل*. قم: دفتر آیت الله العظمی بهجت. ج ۱، ۵.
- بی نام (۱۳۹۲). *گزیده بیانات رهبر انقلاب اسلامی*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی؛ دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای، ویرایش ششم.
- بی نام (۱۳۹۷). *مجموعه قوانین و مقررات انتخابات*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ویراست پنجم.
- پاسخکده (۱۷۹۳۸). *احکام انتخابات*. قابل دسترس در: [www.pasokhkadeh.ir](http://www.pasokhkadeh.ir)
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی جرجانی، سید امیرابوالفتح (۱۴۰۴ق). *تفسیر شاهیه*. تهران: انتشارات نوید.
- حلی (علامه حلی)، ابیطالب محمد حسن بن یوسف (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد*. تحقیق السید حسین الموسوی الکرمانی، الشیخ علی پناه الاشتهاردی، الشیخ عبدالرحیم البروجردی. قم: المطبعة العلمیه، ج ۳.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*. قابل دسترس در: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۸/۲۳). *بیانات در دیدار با نمایندگان نامزدهای انتخابات*. قابل دسترس در: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۶/۲/۲۵). *احکام شرعی انتخابات*. قابل دسترس در: [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۱، ۱۲، ۱۹.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۵ق). *تحریر الوسیلة*. ترجمه علی اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ بیست و یکم، ج ۲.
- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). *تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن*. تهران: کتابخانه صدر، ج ۱۰.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب*. قم: رضی، ج ۱.
- زحیلی، محمدمصطفی (۱۴۰۱ق). *الفقه الاسلامی وادلته*. دمشق: دارالفکر، طبعه الرابعة.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ق). *تفسیر الوسیط*. دمشق: دارالفکر، ج ۶.
- سایس، محمدعلی (۱۴۲۳ق). *آیات الاحکام*. محقق سویدان و ناجی ابراهیم. بیروت: المکتبه العصریه.
- صدوق، ابوجعفر محمد (۱۳۸۵). *من لایحضره الفقیه*. ترجمه محمدجواد غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴.

- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). خلاف. قم: نشر اسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- عباسی سرمدی، مهدی؛ مشایخ، میلاد (۱۳۹۳). بررسی فقهی چگونگی ید امین پس از عدول از تقصیر با رویکردی بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی. *پژوهشنامه متین*، سال ۱۶، شماره ۶۳.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا). *تذکرة الفقهاء (ط-التقدیمه)*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱۰.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۵ق). *القواعد الفقهیه*. قم: انتشارات اعتماد، چاپ دوم.
- فلاح، محمود؛ ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۸). فقه سیاسی شیعه و انتخابات. *معرفت سیاسی*، سال ۱۱: ص ۹۲-۷۹.
- معلوف، لونس (۱۳۷۹). *المنجد فی اللغة*. بیروت: دارالفقه، ج ۱.
- ملک افضلی، محسن (۱۳۹۱). ماهیت و حکم در انتخابات از منظر فقه سیاسی اسلامی. *حکومت اسلامی*، سال ۱۷، شماره ۹۷.
- موسوی بجنوردی، میرزاحسن (۱۴۱۹ق). *قواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی، چاپ ششم.
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۳۸۰ق). *حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مهیاری، رضا (۱۴۱۰ق). *فرهنگ ابجدی عربی- فارسی*. قم: انتشارات اسلامی.
- نجفی (شیخ جواهری)، محمدحسن (۱۳۶۷). *جواهر الکلام*. تحقیق شیخ عباس قوچانی. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ سوم، ج ۱۳.
- هندی، علاء الدین (۱۴۱۹ق). *کنز العمال*. محقق دمیاطی محمود عمر. بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۵.